

پارادایم‌های بالینی

ملانی کلاین و داندل وینیکات

فهرست مطالب

۹	پارادایم‌های بالینی
۱۴	دربارهٔ پدیدآوردندگان کتاب
۱۸	پیشگفتار کتاب
۲۳	زندگی‌نامه و گاه‌شمار کلاین و وینیکات
۲۹	مقدمهٔ کتاب

بخش ۱ اصول اساسی

۳۸	فصل اول ملانی کلاین
۴۷	فصل دوم دونالد وینیکات

بخش ۲ تحول روانی در کودکی

۷۲	فصل سوم نوزاد کلاینی
۷۷	فصل چهارم نوزاد وینیکاتی

بخش ۳ نقش ابژه بیرونی

۹۹	فصل پنجم اضطراب و خیال‌پردازی
۱۰۸	فصل ششم ترکیب فرد-محیط

بخش ۴ مفهوم روانکاوانهٔ درد روانی

۱۳۰	فصل هفتم ملانی کلاین و اضطراب درونی
۱۳۸	فصل هشتم پرخاشگری از دیدگاه وینیکات

بخش ۵ نظریه و درمان

۱۷۱	فصل نهم واقعیت چه کسی؟ تجربهٔ چه کسی؟
۱۷۸	فصل دهم نگاه‌داری و تفسیر مؤثر
۲۱۹	پیوست
۲۲۴	واژه‌نامه
۲۵۳	سخن پایانی
۲۵۶	واژه‌نامه انگلیسی به فارسی
۲۵۹	واژه‌نامه فارسی به انگلیسی
۲۶۲	منابع

ملانی کلاین و دانلد وینیکات

پارادایم‌های بالینی ملانی کلاین و دانلد وینیکات: مقایسه آراء و نظرها و گفتگوها اصول بنیادی روانکاوی کلاین و وینیکات را پیش می‌نهد، چگونگی شکل‌گیری و بسط مفاهیم‌شان را مقایسه می‌کند و به بررسی تأثیر رویکردهای متفاوت ایشان در پارادایم‌های متمایز روانکاوی می‌پردازد. مقصود کتاب حاضر دو چیز است: معرفی این دانشمندان و روشن کردن شعله پژوهش در دل علاقه‌مندان.

کتاب حاضر پنج بخش دارد و هر بخش از آن متشکل از دو فصل است که در هر یک از این فصول، آبرام و هینشلوود به شرح دیدگاه‌های کلاین و وینیکات در پنج حوزه زیر می‌پردازند:

- اصول بنیادی
- تحول روانی اولیه
- نقش ابژه بیرونی
- بررسی روانکاوانه مفهوم درد روانی
- درمان و نظریه

هر پنج بخش نیز با گفتگوی نویسندگان درباره موضوع همان بخش پایان می‌پذیرد. این کتاب برای افرادی که تازه قدم در وادی آشنایی با اندیشه‌های روانکاوی، به‌ویژه روابط ابژه بریتانیا، و نیز روانکاوان مجربی که مشتاق‌اند شیوه مفهوم‌پردازی و مقایسه این دو مکتب را درک کنند، گிரای نظر خواهد بود.

جان آبرام یکی از مدرس و سوپروایزر روانکاوی انجمن روانکاوی بریتانیا و نویسنده آثار متعددی همچون زبان و وینیکات (ویراست نخست ۱۹۹۶، دریافت جایزه بهترین کتاب سال ۱۹۹۷ و کتاب ماندگار پایگاه انتشارات الکترونیک روانکاوی) و ویراستار دانلد وینیکات امروز (راتلج، ۲۰۱۳) است. او پیش‌تر استاد مدعو مرکز مطالعات روانکاوی دانشگاه اسکس (۲۰۱۱-۲۰۱۳) و دانشگاه کیوتوی ژاپن (۲۰۱۶) بود. اکنون

استاد مدعو بخش روانکاوی دانشگاه لندن و مدرس مدعو کلینیک تویستاک لندن است.

رابرت داگلاس هینشلوود عضو انجمن روانکاوی بریتانیا، مدیر پیشین بیمارستان کاسل و استاد بازنشسته دانشگاه اسکس است. او در آثاری چون فرهنگ وژگان تفکر کلاین (۱۹۸۹) و کلاین بالینی (۱۹۹۳) به تفصیل در باب روانکاوی کلاینی نوشته است و آثاری درباره مشکلات ناشی از بدست دادن مقایسه‌های مستند میان مکاتب مختلف روانکاوی به زیور نشر آراسته است.



تصویر فوق متعلق است به جان آبرام و رابرت. د. هینشلوود
در دومین همایش کلاین و وینیکات که ۲۰ نوامبر ۲۰۱۵
در ورشو لهستان برگزار شد.

پیشکش به محضر کسانی که به ما آموختند و نیز آنهایی که از ما آموختند و به تمام آن کسان که از هر جای دنیا دستی بر آتش گرم این گفتگوها و مقایسه‌ها داشتند.

درباره پدیدآورندگان کتاب

رابرت داگلاس هینشلوود در بیمارستان کالج دانشگاهی لندن در رشته پزشکی آموزش دید و با دو مدرک کارشناسی (یکی در کالبدشناسی و دیگری در پزشکی و جراحی) فارغ التحصیل شد. زمانی که اولین مقالاتش (یکی در مجله نیچر و یکی هم در مجله روانپزشکی بریتانیا) منتشر شد، دوره کارورزی‌اش را به عنوان روانپزشک در بیمارستان شنلی^۱ (۱۹۶۷-۱۹۶۹) سپری می‌کرد و پس از آن به بیمارستان روزانه مالبرو^۲ (۱۹۷۶-۱۹۷۹) عزیمت کرد و در همانجا با همکارانش نوعی انجمن درمانی مشارکت‌جویانه شکل داد. ضمن این دوره، در طب روان‌شناسی موفق به اخذ دیپلم شد؛ تحلیل شخصی خودش را آغاز کرد، با این چشم انداز که در انجمن روانکاوی بریتانیا به عنوان روانکاو به آموزش دیگران بپردازد؛ و در ۱۹۷۶ توانست به این توفیق دست یابد.

در ۱۹۷۶ به سمت روان‌درمانگر مشاور بیمارستان برنارد منصوب شد و در همان سال دوره‌های افزایش آگاهی از روانکاوی را برگزار کرد و نیز از کارکنان بخش سلامت روان حمایت به عمل می‌آورد. این کار او منجر به نوعی توجه مداوم به روان‌پویشی روانپزشکی و دیگر سازمان‌ها و پیامدهای عملی این کار پُر استرس منتهی شد؛ در این زمینه آثاری چند از جمله مشاهده سازمان‌ها (هینشلوود و اسکاگیستد، ۲۰۰۱) روانه بازار کتاب کرد. در طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، در دنیای متحول روان‌درمانگری روانکاوانه ایفای نقش کرد، در دوره آموزشی برخی سازمان‌ها تدریس می‌کرد و از این رهگذر، افزون بر تسلط بر ابعاد مختلف اندیشه ملانی کلاین، فرهنگ واژگان اندیشه کلاین را به نگارش درآورد (۱۹۸۲؛ ویراست دوم، ۱۹۹۱) که امروزه آن را به بیش از ده زبان ترجمه کرده‌اند. در ۱۹۸۴، مجله روان‌درمانی بریتانیا را بنا گذاشت و به مدت ۱۰ سال ویراستار آن بود. در ۱۹۹۶، به تأسیس مجله روانکاوی و تاریخ

1. Shenley Hospital

2. Marlborough Day Hospital

همت گمارد؛ این دو مجله را تا سال ۲۰۰۶ منتشر می‌کرد. در ۱۹۹۰ به عضویت کالج سلطنتی روانپزشکان درآمد و در ۱۹۹۳ یکی از اعضای هیئت مدیره آن شد. کتابش جنون رنج‌آور^۱ (۲۰۰۴) محصول این دوره بود.

در ۱۹۹۳، از سمت مشاور در بیمارستان برنارد (که به بیمارستان ایلینگ تبدیل شده بود) کناره‌گیری کرد و مدیریت بیمارستان کاسل (انجمن درمانی با قدمتی که تمام مین آن را بنا نهاد) را بر عهده گرفت. در ۱۹۹۷، از سازمان خدمات سلامت همگانی بریتانیا بازنشسته شد و استاد مرکز مطالعات روانکاوای دانشگاه اسکس^۲ شد. در ۲۰۰۲، استاد مدعو کمیته تفکر اجتماعی دانشگاه شیکاگو بود. دنیای آموزش فرصتی پیش نهاد تا مطالعه روانکاوای بالینی و مسئله مطالعات تطبیقی (یا مقایسه‌ای) میان مکاتب روانکاوای رقیب را محل توجه قرار دهد؛ این امر به نگارش «سرکوبی و دویاره‌سازی: به سوی روش مقایسه مفهومی» (هینشلوود، ۲۰۰۸) و پژوهش روی کاناپه: مطالعات تک موردی، سویژکتیویته و دانش روانکاوای (۲۰۰۳) انجامید. ناگفته نماند که او به رویدادها و آثاری هم علاقه‌مند بود که با کتاب پیش روی شما ربط و نسبت دارند.

جان آبرام روانکاو مدرس و سوپروایزر انجمن روانکاوای بریتانیا است و در لندن فعالیت خصوصی تمام وقت دارد. او استاد مدعو بخش روانکاوای کالج دانشگاهی لندن است و در آنجا واحد درسی وینیکات و نظریه بالینی معاصر را برای دانشجویان کارشناسی ارشد مطالعات نظری روانکاوای تدوین کرده است. او مدرس مدعو بخش بزرگسال کلینیک تویستاک^۳ است و در آنجا «تکامل پارادایم‌های روانکاوای انجمن روانکاوای بریتانیا (۱۹۷۱-۱۹۱۹)» را به دانشجویان سال دوم دوره MI در درس روان‌درمانی روانکاوانه می‌آموزاند.

او هم اکنون رئیس کمیته اسناد انجمن روانکاوای بریتانیا و مشاور ارتقاء افرادی است که در مؤسسه روانکاوای آموزش می‌بینند. پست اجرایی پیشین او ریاست کمیته علمی انجمن روانکاوای بریتانیا بود.

هم‌اینک ریاست «گروه پاریس» را برعهده دارد: که در حیطه «ویژگی خاص درمان

1. Suffering Insanity

2. Centre for Psychoanalytic Studies at the University of Essex

3. Adult Department of the Tavistock Clinic

روانکاوی در کار گروهی بین تحلیلی» پژوهش می‌کند. گفتنی است که این گروه یکی از احزاب فعال در انجمن روانکاوی بین‌المللی و اتحادیه روانکاوی اروپا است. جان آبرام کتاب زبان وینیکات^۱ را در ۱۹۹۶ منتشر کرد و جایزه کتاب علمی شایسته تقدیر سال ۱۹۹۷ را دریافت کرد. ویراست دوم آن در ۲۰۰۷ منتشر شد. آبرام کتاب دانلد وینیکات امروز^۲ را در ۲۰۱۳ منتشر کرد. او هم اکنون مشغول نگارش کتابی است مشتمل بر مجموعه مقالات بالینی با نام ابژه بقایافته: جستارهای روانکاوانه درباره بقای روانی^۳.

بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ سمت استاد مدعو مرکز مطالعات روانکاوی دانشگاه اسکس را بر عهده داشت؛ تأمین مالی این سمت را دانشگاه اسکس و انجمن روانکاوی بریتانیا مشترکاً بر عهده دارند. پس از آن، در ۲۰۱۶، به عنوان استاد مدعو دانشگاه کیوتوی ژاپن مشغول آموزش، ارائه درسگفتار و سوپروایزی شد. او به همراه هینشلوود از طریق ایمیل و جلسات اسکایپ، در ضمن فرصت مطالعاتی سه ماهه، کار بر روی کتاب حاضر را آغاز کرد.

-
1. The Language of Winnicott
 2. Donald Winnicott Today
 3. The Surviving Object: Psychoanalytic Essays on Psychic Survival

پیشگفتار کتاب

کتاب حاضر را باید ثمرهٔ پیشنهاد برگزاری کارگاهی آموزشی از سوی جان آبرام در ۲۰۱۱ به رابرت (باب) هینشلوود قلمداد کرد؛ آبرام در آن ایام استاد مدعو دانشگاه اسکس بود. ایدهٔ گفت‌وگو کردن برای مقایسهٔ نظریه‌ها و بیان وجوه متضاد آنها از دل تجربهٔ تدریس جان آبرام برآمد؛ او دریافته بود که دانشجویان اغلب دربارهٔ مکاتب مختلف روانکاوی تصویر واضحی ندارند؛ این مکاتب از زمان مناظره‌های جنجالی^۱ (۱۹۴۲-۱۹۴۵) سر بر آوردند. اولین کارگاه در مارس ۲۰۱۳ در مرکز مطالعات روانکاوی دانشگاه اسکس برگزار گردید.

باب هینشلوود، در ۱۹۹۷، با کناره‌گیری از سازمان خدمات سلامت همگانی و بر عهده گرفتن سمتی دانشگاهی در دانشگاه اسکس، فراغت بال بیشتری یافت تا به انواع و اقسام اندیشه‌های روانکاوانه بپردازد و بر اهمیت کار بالینی به عنوان درونداد حیاتی تأکید کرد که از رهگذر آن می‌توان مکاتب فکری مختلف را با یکدیگر مقایسه کرد. همین موضوع در پژوهش راجع به مفاهیم مقایسه‌شدنی (یا مقایسه‌نشدنی) سرکوبی و دویاره‌سازی به اوج خود رسید (هینشلوود، ۲۰۰۸).

پس از برگزاری این کارگاه، انجمن روانکاوی لهستان برای برگزاری کارگاهی مشابه در ورشو از ما دعوت کرد و در نوامبر ۲۰۱۵ آن را برگزار کردیم. در این دوران دیگر راهی برای بحث کردن دربارهٔ مؤلفه‌های اصلی کار ملانی کلاین و دانلد وینیکات بدست آورده بودیم. در هر دو کارگاه، از روانکاوی دعوت کردیم تا جلسات درمان فشرده در جریان را با جزئیات کامل ارائه دهد. هدف این بود که در بعد از ظهر آن

۱. منظور مجادلات و مناظرات بحث‌انگیزی است که بین حامیان ملانی کلاین و انا فروید رخ داده است؛ طبق مفاهیم کوهنی، وقتی بحران در علم متعارف روی می‌دهد، پارادایم‌های رقیب با همدیگر ناسازگار هستند و نمی‌توان یک پارادایم را با مفاهیم و تعابیر پارادایم دیگر فهمید. یعنی در دورهٔ بحران، طرفداران پارادایم‌ها حرف و منطق یکدیگر را نمی‌فهمند. (م.م)

روز نشان دهیم که هر نظریه را چگونه می‌توان در کار بالینی به کار بست. در سراسر فصول و گفتگوهای این کتاب نیز همین رویه را در پیش گرفتیم.

موفقیت این دو کارگاه چشمگیر بود و استقبال زیادی از آنها شد. به باور ما، این کامیابی دو علت داشت، یکی نامعمول بودن کار مقایسه در رشته ما و دیگری، اینکه کلاین و وینیکات، پس از فروید، در زمره بزرگ‌ترین متفکران روانکاوی قرن بیستم قرار دارند. افزون بر این، به دلیل شکل‌گیری فرقه‌های سیاسی در انجمن روانکاوی بریتانیا پس از ۱۹۴۵، این نوع گفتگوها میان دو روانکاو مطرح بین‌المللی بریتانیایی درباره کلاین و وینیکات بی‌سابقه می‌نمود. بخش عمده زمان کارگاه‌ها به بحث کردن اختصاص می‌یافت و ما دریافتیم که روانکاوان و دانشجویان، به یک‌سان، اشتیاق و علاقه دارند تا برای واکاوی و واری‌تفاوت میان کلاین و وینیکات فرصت بیشتری داشته باشند. تجربه این دو کارگاه به قدری برایمان مهیج بود که نگارش کتابی درباره آن امری بسیار معمول به نظر می‌رسد. پژوهشی که برای کتاب‌هایمان - فرهنگ‌واژگان اندیشه کلاین رابرت هینشلوود در ۱۹۸۹ (و ویراست‌های بعدی آن: ویراست دوم در ۱۹۹۱ و فرهنگ جدید واژگان اندیشه کلاین به سعی الیزابت اسپلیس^۱ و همکاران، در ۲۰۱۱) و زبان وینیکات ۱۹۹۶ جان آبرام: فرهنگ واژگان کاربرد کلمات وینیکات (ویراست دوم در ۲۰۰۷) - انجام داده بودیم به این معنا بود که برای واری‌تفاوت موشکافانه و جوه اشتراک و افتراق این دو روانکاو در قالب کتاب آنچنان که می‌سزد انگیزه داریم و ره به بیغوله نمی‌بریم. اما خالی از لطف نیست که بگوییم این کارگاه‌ها ما را به درک بیشتر رویکرد یکدیگر علاقه‌مند ساخت.

هدف اصلی ما از نحوه چینه‌بخش مقایسه‌ها و گفت‌وگوها در این کتاب آن است نوعی حس تبادل افکار زنده و خودانگیخته‌ای را ایجاد کنیم، که بخت با ما یار بود و در این دو کارگاه همین نتیجه حاصل شد. بدین منظور، نخواستیم کتاب قالب نشریات روانکاوی را به خود بگیرد، زیرا تلاش ما این بود که گفتگویی مباحثه‌ای میان دو متفکر بزرگ - کلاین و وینیکات - راه بیندازیم؛ این دو متفکر پارادایم‌های بالینی کاملاً متفاوتی بنا نهاده بودند که از پارادایم کلاسیک فرویدی در دهه ۱۹۳۰ سرچشمه می‌گرفت. چنانچه به آموزه‌های افلاطون بنگریم، به ما گوشزد می‌کند که هدف روش

سقراطی تسهیل نوعی «مباحثه مشارکتی میان افراد بر اساس پرسش کردن و پاسخ دادن است تا از این رهگذر شعله‌های تفکر نقاد را بیفزود و ایده‌ها و فرضیات بنیادی را استنباط کند» (بنگرید به ویکی پدیا: روش سقراطی). برای رسیدن به این اهداف لازم دیدیم برخی از تفاوت‌ها را روشن‌تر کنیم، زیرا پیروان هر چارچوب فکری نه تنها درک ناصوابی از ایده‌های دیگری دارند، که در پاره‌ای موارد نیز دچار سوء تفاهم می‌شوند.

کتاب را به پنج بخش تقسیم کرده‌ایم. گفتنی است که چون شعله‌های اندیشه‌های وینیکات، دست‌کم در ابتدای سیر فکری‌اش، به طور عمده در مباحثه با کلاین فروزان شدند، عقل حکم می‌کرد که باب هینشلوود هر بخش را با فصلی درباره موضوعی مشخص آغاز کند و فصل بعدی را جان درباره مفاهیم وینیکات آغاز کند. پس از اینها نوبت به بیان خلاصه مطالب هر بخش و ارائه جدول مقایسه نکات مهم دو فصل می‌رسد و در نهایت بخش گفت‌وگو پیش روی مخاطب گزارده می‌شود. از این رو، کتاب متشکل از ده فصل و پنج گفت‌وگو است. گفت‌وگوها را در پاسخ به فصل‌هایی که قبلاً نوشته بودیم از طریق ایمیل، برای یکدیگر ارسال کردیم. این کار به ما فرصت داد تا در آماده سازی مطالب هر بار اندکی فکر کنیم، البته سعی ما بر این بود که اصالت ایمیل‌ها را حفظ کنیم زیرا به باور ما این کار حیاتی بود. از این رو، بر آن شدیم تا ویرایش را به کمترین میزان ممکن برسانیم و کاری هم با سوء تفاهم‌ها نداشته باشیم. می‌خواستیم نشان دهیم که حوزه‌های تخصصی متفاوت ما چگونه باعث می‌شود تصور کنیم منظور یکدیگر را متوجه می‌شویم اما در غالب اوقات تصور ناصواب داریم یا دچار سوء تفاهم می‌شویم.

نتیجه این کار برای هر دوی ما بسیار گیرای نظر بود. پاسخ‌های ما در جریان بحث به ذهنمان خطور می‌کرد زیرا سعی داشتیم به چیزی توجه کنیم که این دو مکتب روانکاوی کاملاً متفاوت ولی در عین حال مرتبط، هیچ‌گاه با یکدیگر به بحث نگذاشته بودند.

هدف کلی ما این بود که کتاب، برای تازه‌کارها به‌اندازه و فهمیدنی باشد و برای بالینگران مجرب و/یا پژوهشگران کارآزموده روانکاوی گیرای نظر باشد. از این رو برای دربرگرفتن مخاطبان بیشتر، ناگزیر بودیم دامنه موضوعات را تنگ‌تر کنیم، زیرا

تلاش ما این بوده است که وجوه افتراق و اشتراک ملانی کلاین و دانلد وینیکات را بررسی کنیم.

این شکل گفت‌وگو نوعی تمرینی آزمایشی بود و امیدواریم خواننده آن را، به اندازه ما، جالب و مهیج بیابد. ضمن گفتگوها دریافتیم واقعاً می‌توانیم با دیدگاه‌های یکدیگر دست و پنجه نرم کنیم. خوانندگانی که مجدانه پیگیر تبادل آراء و افکار ما هستند، متوجه اندکی افسانه‌سازی از سوی هریک از دو طرف خواهند شد. امیدواریم به وضوح ببینید که چگونه در سراسر این فرایند تا جایی که توانستیم در گفتگوها از یکدیگر آموختیم. اما این امر بدان معنا نیست که همه تصورات ناصواب حل و فصل شده‌اند. گاهی، درک موضوع بیرون از نوعی چارچوب خاص می‌تواند براستی الهام برانگیز باشد و از این رو مستلزم تعمق بیشتری است، اما مقاومت در برابر گوش دادن به یکدیگر بسیار توان‌فرسا است و ما نیز توجه زیادی به آن داشتیم. چنانکه راجر مانی-کایرل درباره گروه‌های سیاسی (که گروه‌های روانکاوی یقیناً از اینها هستند) می‌گوید:

... کاری ندارد که در مباحث روانکاوی بحث و جدل راه بیندازیم تا از این رهگذر صرفاً نقاط تاریک نظریه‌های مخالفان را برجسته کنیم؛ اما، با این کار، گویی «عیوب دیگران را برملا و نواقص خودم را کتمان کرده‌ایم» و دیگران را «سپر بلا» کرده‌ایم (مانی - کایرل، ۳۷۵-۳۷۴: ۱۹۶۴)

امیدواریم این شکل گفت‌وگو نوعی شیوه تعامل ابتکاری پیش روی خوانندگانی بگذارد که به ناگزیر با سنت دیرینه افسانه درباره کلاین یا وینیکات مواجه شده‌اند. نیز امید داریم که سبک گفت‌وگوهای ما به نوعی نشانگر کیفیت پدیدآیی، تکامل و تصریح موضوعات نزد هر دوی ما باشد. امید آنکه مسیری که باهم پیموده‌ایم برای همه خوانندگان با طراوت و ثمربخش باشد و از این رهگذر به جزئیات غنی و تفاوت‌های جزئی بینش یابیم و همین رویکرد مقایسه کردن و بیان وجوه افتراق و اشتراک ما را به مقصد فوق رهنمون شود.